چهارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی

میثم نریمانی؛ کارشناس مرکز همکاریهای فناوری و نوآوری ریاست جمهوری، m1385_narimani@yahoo.com

حسین عسکری؛ کارشناس مرکز همکاریهای فناوری و نوآوری ریاست جمهوری ، hosein.askari@yahoo.com

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، نظامی است ایدئولوژیک و آرمانی، در حال مبارزه با نظام سلطه و استکبار. ذات وجود و ایستادگی چنین نظامی مخصوصا در بعد اقتصادی، مستلزم وجود مدلی اقتصادی است که با این شرایط همخوانی داشته باشد.

در این مقاله ابتدا دو مدل اقتصادی غربی و اسلامی که در مقابل حرکت کشور قرار دارند بررسی شده و بر مبنای آن‌ها اقتصاد مقاومتی تعریف گردیده و سپس مبانی الگوی مقاومتی و مدل اقتصادی آن با توجه به دو جهت‌گیری اسلامی و ایرانی تشریح شده است. بر مبنای این مبانی و مدل های اقتصادی بررسی شده، سه سناریو برای حرکت اقتصادی کشور بررسی گردیده و با توجه به شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی این سناریو برای کشور برگزیده شده است. در انتهای مقاله نیز اصول این مدل اقتصادی تشریح گردیده و هر کدام توضیح داده شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، الگوی مقاومتی، اقتصاد اسلامی، مقابله فعال با تحریم‌ها

مقدمه

طراحی ساختارها و نهادهای متناسب با اصول و اهداف نظام اسلامی دغدغه‌ای است که همواره فراروی اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی بوده است. این دغدغه خصوصاً پس از وقوع انقلاب اسلامی تشدید شده و تلاش‌های فراوانی برای نیل به آن صورت پذیرفته است. چنین خواست عمومی تحت عنوان طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کلام رهبری انقلاب نیز انعکاس یافته و در حال حاضر به مطالبه‌ای عمومی مبدل شده است. بدیهی است که مجموعه حوزه‌های علمیه به دلیل تخصص و تبحر در مباحث اسلامی، امید اول پاسخگویی به این نیاز مهم انقلاب محسوب می‌شوند. طراحی و مدل‌سازی ساختارهای مناسب با اهداف عالیه نظام اسلامی نیازمند تسلط به مباحث دینی و اسلامی است و لذا طبیعی است که چشم امید همگان به طلاب و اساتید حوزوی باشد. لیکن مساله اینجاست که علی‌رغم تلاش‌های گسترده‌ای که در حوزه‌های علمیه در جریان است، کشور در عمل شاهد دستاوردها و نتایج کاربردی در این زمینه نبوده است. در این مقاله، مجال کافی برای واکاوی علل این واقعیت موجود نیست و چه بسا پرداختن به آن ما را از هدف اصلی خود منحرف کند. لیکن بایستی بر این نکته تأکید شود که ناکامی و عدم حصول نتایج عملی در حوزه نظام‌سازی اسلامی از سوی حوزه‌های علمیه باعث شده است کشور در عمل بیشتر به سمت استفاده هر چه گسترده‌تر از مدل‌ها و نظامات غربی سوق پیدا کند و هر چه که زمان بیشتری می‌گذرد،این مساله تشدید می‌شود. به بیان دیگر، هر چه امیدواری‌ها به استخراج الگوی ناب اسلامی و پژوهش‌های طلاب و اساتید علوم حوزوی و اسلامی کمتر می‌شود، پیگیری و تلاش برای پیاده‌سازی مدل‌ها و نظامات غربی سرعت بیشتری می‌گیرد.

مساله مهمی که در این میان وجود دارد این است که گویی دو راه بیشتر وجود ندارد. راه اول استخراج الگوی اسلامی و نظام‌سازی بنیادی مبتنی بر علوم اسلامی است. این راه اگر چه ممکن است ولی نیازمند پیگیری و گذر زمان است و در کوتاه مدت انتخاب بهینه‌ای محسوب نمی‌شود. راه دوم تقلید و پیاده‌سازی نظامات و الگوهای غربی فارغ از هرگونه ترجیحات و یا جرح و تعدیل‌هاست. نظامات و ساختارهای نهادی تمدن غرب، حاصل سال‌ها تجربه و فعالیت جوامع مغرب زمین است که روی هم انباشته شده و الگوهای کاربردی را به جوامع دیگر ارائه می‌دهد.

نکته مهم اینجاست که عموم متفکران در یکی از دو انتخاب پیش گفته شده فعالند. یا نهادسازی و الگوپردازی ناب اسلامی را هدف دارند و یا عین ساختارها و نظامات غربی را برای جامعه ما تجویز می‌کنند. آیا نمی‌توان میان این دو انتخاب، شق سومی را مدنظر قرار دارد؟ الگوی مقاومتی قصد دارد مسیر جدیدی را در این میان بنمایاند. اگر چه تحقق کامل مدل اسلامی و نظام‌سازی مبتنی بر فرامین دینی هم اکنون در

دسترس نیست؛ ولی نمی‌توان با چنین توجیهی، دست بسته کشور را تسلیم مدل‌های غربی نمود. در این میان مواردی وجود دارد که شایان توجه است:

اصول اساسی و جهت‌گیری‌های کلی مدنظر شریعت اسلامی همچون کرامت انسانی، مبارزه با استکبار و استضعاف، تعالی و رشد عمومی بشریت و .... می‌توانند مبنای تصمیمات و جهت‌گیری‌ها قرار گیرند.

نهادها و نظامات محصول تمدن غرب اگر چه به لحاظ نظری به هم پیوسته‌اند، لیکن می‌توان با هوشمندی مناسبی مبتنی بر نیازها و ترجیحات بومی، استفاده‌های مفیدی از آن‌ها به عمل آورد.

مبتنی بر یک بازشناسی مناسب در خصوص نیازمندی‌ها و مسائل کشور، راه‌کارهای کوتاه‌مدت و یا ابداعی می‌توان طراحی نموده و مورد استفاده قرار داد.

لذا بر مبنای این سه راهبرد کلی یعنی استفاده از۱- جهت‌گیری‌های کلان اسلامی،۲- به‌گزین نمودن نهادهای غربی و۳- تلاش برای حل مسائل بومی، می‌توان مسیر جدیدی طراحی نمود که در فقدان الگوی جامع اسلامی، کشور را از پذیرش کامل نظامات غربی برهاند. این مسیر سوم در عین اینکه نیازمندی‌های حال حاضر کشور را پاسخ می‌دهد، امیدواری‌ها و تلاش‌ها برای پیگیری مدل جامع و ناب اسلامی را بارور نموده و کشور را از پذیرش بی‌چون و چرای نظام‌های غربی بی‌نیاز می‌گرداند.

نگارنده تأکید می‌کند که مدل بهینه تولید علم اسلامی متناسب با نظام‌سازی و طراحی نهادهای دینی را چنین رویکردی می‌داند. در یک فرایند رفت و برگشتی میان حوزه اجرا و پیاده‌سازی از یک طرف و حوزه طراحی و نظریه‌پردازی از سوی دیگر است که نظام‌سازی و تمدن‌سازی محقق می‌شود. پیشرفت و بالندگی نظامات غربی پشت درهای بسته علما و اندیشمندان و در محافل علمی مملو از درس و بحث بدست نیامده است. بلکه در یک فرایند پویا میان نهادهای فکری و علمی از یک سو و نیز نهادهای اجرایی و عملیاتی از سوی دیگر حاصل شده است. در ادامه و در ابتدا، مبانی الگو به لحاظ اسلامی و ایرانی تشریح و سپس مبتنی بر سناریوپردازی در خصوص راهبردهای پیش‌روی کشور، ضرورت الگوی اقتصاد مقاومتی تبیین شده است.

مبانی الگوی مقاومتی:

توجه به دو بعد اسلامی و ایرانی در تدوین الگوی مطلوب و مناسب برای کشور به شدت حائز اهمیت است. الگوی مقاومتی به لحاظ اسلامی ساختاری متناظر به آرمان و هدف را پیگیری می‌کند. در عین حال به لحاظ ایرانی نیز ناظر به مسائل و نیازهای بومی خواهد بود. لذا در حوزه آرمان و هدف، نفی ظلم در سراسر عالم، مبارزه دائمی حق و باطل و چالش و تعارض با هر گونه استضعاف و استکبار در دستور کار قرار می‌گیرد. در واقع می‌بایستی نظامات و نهادها در یک الگوی مقاومتی به گونه‌ای طراحی شوند که نیل به چنین آرمان و هدفی تسهیل و تسریع شود. به لحاظ بعد ایرانی نیز الگو باید متناسب با نیازهای کشور و در جهت حل مسائل کشور باشد. تعالی، پیشرفت و شکوفایی کشور در شرایط تعارض دائمی با نظام سلطه و مواجهه با انواع تحریم‌ها، مساله‌ای است که در این بعد مطرح خواهد بود.

شایان ذکر است که مساله‌شناسی خود از اهمیت بالایی برخوردار است. ممکن است مساله کشور به گونه‌ای دیگر صورت‌بندی شود. به عنوان مثال برخی اتخاذ رویکرد ایدئولوژیک خاص در مبارزه با استکبار جهانی را مساله اصلی قلمداد کرده و چالش کشور در نیل به توسعه اقتصادی را اتخاذ این جهت‌گیری نظری قلمداد می‌کنند. مشکل توسعه کشور به زعم آنان، جهات نظری چالشی است که بعد از انقلاب در کشور مسلط شده و بدلیل ایجاد تعارض با نظم بین‌الملل، مسیر توسعهٔ اقتصادی کشور را مختل نموده است. در این صورت، راه حل نیز مشخص است: «بایستی از برخی شعارها و اهداف ایدئولوژیک به نفع توسعه اقتصادی کشور دست کشید.» این در حالی است که مساله کشور کمی پیچیده‌تر از آن چیزی است که اینگونه معرفی می‌شود. مساله کشور این است که «چگونه در حالت مبارزه و جهاد و در عین مواجهه با انواع تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، مسیر تعالی و پیشرفت کشور به صورت مناسبی دنبال شود.» اینگونه است که راه حل مناسب کشور نیازمند طراحی بومی و مدل‌سازی خاص خود می‌باشد.

بر این مبنا الگوی مقاومتی در دو بعد اسلامی و ایرانی واجد جهت‌گیری‌های مخصوص به خود می‌باشد. جدول شماره یک این موارد را به اختصار نمایش داده است.

	جهت‌گیری ایرانی	جهت‌گیری اسلامی
ناظر به چیست؟	نیازمندی‌ها و مسایل کشور	آرمان‌ها و اهداف کلان
برخی مصادیق مهم آن چیست؟	توسعه و تعالی کشور در شرایط تحریم و فشار	نبرد حق و باطل و مبارزه با استکبار

جدول شماره ۱: مبانی الگوی مقاومتی به لحاظ اسلامی و ایرانی

لذا بایستی تصریح شود که الگوهای رایج توسعه مبتنی بر پذیرش نظم بین‌الملل و تقسیم کار جهانی نمی‌تواند برای کشور مفید باشد. در مقابل رویکردی برای کشور مناسب است که مسیر پیشرفت و توسعه را در شرایط جهاد و مبارزه با استکبار جهانی و تحت فشارها و تحریم‌های بین‌المللی و جهانی دنبال نماید. نتیجه چنین منظری این خواهد بود که به لحاظ آفندی و پدافندی شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی در کشور طراحی شود. به بیان دیگر، ساز و کارهای کشور بایستی چنان طراحی شوند که به لحاظ پدافندی و در صورت تحریم، فشار و تهاجم، آسیب کمتری به کشور وارد شود و در عین حال، کشور بتواند به لحاظ آفندی منافع نظام سلطه در سطح بین‌الملل را با چالش مواجه کند.

چنین الگویی بایستی در کلیه عرصه‌های مدیریتی و اداره کشور در دستور کار قرار گیرد. عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی و اجتماعی بایستی مبتنی بر این رویکرد طراحی و مدل‌سازی شوند. اولویت پژوهشی که در این مقاله مد نظر قرار گرفته است، حوزه اقتصاد خواهد بود.

سناریوپردازی حوزهٔ اقتصادی

در مقطع کنونی، تأمل در شرایط حال حاضر کشور، خصوصاً در بعد اقتصادی آشکار می‌سازد که دو سناریو پیش‌روی کشور قرار گرفته است.

۳-۱. سناریوی اول، پیگیری برنامه‌های مرسوم توسعه و پیاده‌سازی الگوهای متعارف است. آزادسازی حوزه اقتصادی، تکیه بر مزیت‌های طبیعی و صرف نظر نمودن از مزیت‌های رقابتی، پذیرش تقسیم کار جهانی و ورود در زنجیره ارزش عناوین تجاری بین‌المللی و جهانی، استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی هم در بخش واقعی و هم در بخش مالی اقتصاد و ... اهم مواردی هستند که در این میان بایستی مدنظر قرار گیرند. صرف نظر از کارآمدی این عوامل به تنهایی و در فقدان تعریف نقش‌های توسعه‌ای برای دولت، اتخاذ چنین سیاست‌هایی تبعات مهمی خصوصاً در بعد سیاسی و فرهنگی خواهد داشت. تسلط سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ چندملیتی بر اقتصاد ایران، وابستگی گسترده اقتصاد داخلی به این عوامل خارجی را به دنبال خواهدداشت. علاوه بر تبعات اجتماعی و فرهنگی، چنین وابستگی گسترده‌ای، ایفای نقش فعال در حوزه سیاست خارجی از سوی جمهوری اسلامی ایران نیز با چالش مواجه می‌شود. بسیاری از کشورهای متاخر در حوزه توسعه اقتصادی که به دنبال نسل اول کشورهای توسعه یافته حرکت نموده و به پیشرفت اقتصادی و افزایش درآمد ملی در خور توجهی نایل شده‌اند، به ایفای نقش منفعل در حوزه سیاست خارجی و پذیرش تبعات اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های مرسوم به توسعه‌گران نهاده‌اند. به‌عنوان نمونه، پیشرفت‌های اقتصادی سریع کشورهای جنوب شرق آسیا در چنین شرایطی به وقوع پیوسته است. کوتاه سخن اینکه پذیرش الگوهای متعارف به‌طور کامل، اگر چه بدلیل همراهی با نظام بین‌الملل از اعمال فشارها و تحریم‌های مختلف بر ضد نظام اسلامی جلوگیری می‌نماید، لیکن کشور را از پیگیری راهبردهای کلان انقلاب اسلامی در حوزه بین‌المللی همچون مبارزه با استضعاف و استکبار منع کرده و تبعات فرهنگی و اجتماعی خاصی را در کشور حاکم می‌سازد که لزوماً در مسیر اهداف تربیتی الگوی اسلامی و انقلابی نخواهد بود.

۳-۲. سناریوی دومی که در برابر کشور قرارداد اجرای ناقص برنامه‌های مرسوم توسعه در کنار پیگیری اهداف و آرمان‌های انقلابی است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که چالش نظری جدی در تقابل با نظام سلطه، تبعات بسیاری در حوزه سیاستگذاری عملی و نوع ارتباط با غرب دارد که از جمله آن تشدید تحریم‌ها و فشارها بر ضد کشور است. لیکن در ذات برنامه‌های مرسوم توسعه که گونه‌ای از خوش‌بینی ذاتی و درونی به روابط حاکم در نظام بین‌الملل نهفته است، جهانی‌سازی و ارتقای همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی را به دنبال خواهدداشت.

لذا چنین الگوهایی که با چنین فرض‌های مبتنی بر همکاری و اعتماد به روابط اقتصادی پایدار جهانی استوار است، به لحاظ کارکردی در شرایط تحریم و فشار خارجی دچار اختلال شده و دیگر نتایج مورد انتظار قبل را به دنبال نخواهد داشت. علاوه بر این چه بسا که پیگیری سیاست‌های مبتنی بر نظم بین‌المللی

و تقسیم کار جهانی در شرایط تحریم و فشار خارجی نتیجه معکوس داده و ناکارآمدی و آسیب بیشتری را برای کشور به ارمغان بیاورد. در چنین شرایطی به دلیل آنکه پیش فرض‌های مدل‌های توسعه در شرایط تحریم و فشار برقرار نخواهدبود، مواجهه منفعل با این تهدیدات، منجر به شکل‌گیری اقتصادی ضعیف و فاسد شود. از یک سود به دلیل وابستگی اقتصادی به خارج، مسیرهای فعالیت اقتصادی کشور به راحتی یکی پس از دیگری مسدود شده و حوزه فعالین اقتصادی محدود و محدودتر می‌شود. از سوی دیگر نیز محدودیت فعالیت رسمی و شفاف باعث گسترش و توسعه اقتصاد زیرزمینی و غیررسمی می‌شود که مهمترین بستر ایجاد فساد و افزایش آن در کشور را پدید خواهدآورد.

کوتاه سخن اینکه اتخاذ چنین راهبردی اگر چه تحرک سیاست خارجی و مقابله با نظام سلطه را برآورده می‌سازد لیکن با بوجود آوردن اقتصاد ضعیف و آسیب‌پذیر در بلندمدت محکوم به شکست است. وضعیت قابل انتظار در صورت پیگیری این سناریو، مقابله با سیاست‌های استکباری نظام سلطه در بعد خارجی و اقتصاد فاسد و شکننده در بعد داخلی است پایداری چنین رویکردی به شدت پایین بوده و در بلندمدت غیرقابل اتکا است.

۳-۳. سناریوی سوم: همانگونه که در بخش گذشته اشاره شد، نظام اسلامی به لحاظ راهبردی ناگزیر است برای مسایل و نیازمندیهای خاص خوده دست به طراحی و مدل‌سازی الگوهای نهادی جدید بزند. لذا بایستی در میان این دو مسیری که در بلندمدت هر دو به یک سرنوشت دچار می‌شوند، راهبردی به کشور معرفی شود که بتواند در بلندمدت پیگیری اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی را تضمین کند. اما این مسیر سوم چه شاخص‌هایی باید داشته باشد.

۳-۳-۱. شاخص اول اینکه بایستی در حوزه سیاست خارجی و در مواجهه با نظام بین‌المللی اهداف استکبار ستیزی و ظلم‌ستیزی خود را پیگیری نماید[۱]. این مسئله زمانی به خوبی محقق می‌شود که دیگر نظامات کشور در خدمت این جهت‌گیری بوده و آن را تقویت نمایند. لذا بایستی نظامات اجتماعی فرهنگی و خصوصاً اقتصادی نیز به‌گونه‌ای طراحی شوند که نیل به این آرمان تسهیل شود.

۳-۳-۲. شاخص دوم به نظامات اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود. فضای فرهنگی حاکم در کشور بایستی مشوق روحیه جهاد و شهادت، مبارزه و از جان گذشتگی باشد[۲]. در فضای فرهنگی مبتنی بر تفاخر و مسابق در بهره‌مندی از تمتعات مادی، پیگیری جهات نظری جهادی در تعارض با نظام سلطه با چالش جدی روبرو

---

[۱] و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً

[۲] و اعدوا لهم ماستطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم....

لازم به ذکر است استطاعت و توانایی مقابله با دشمنان فقط در حیطه نظامی قرار نمی‌گیرد.

خواهدشد. تبین چنین الگویی با عنوان الگوی مقاومت نیاز به جهات نظری جهادی در تعارض با نظام سلطه با چالش جدی روبرو خواهد بود.

۳-۳-۳. شاخص سوم مربوط به نظامات اقتصادی است. سازماندهی ساز و کارها و تدبیر امور در حوزه فعالین اقتصادی بایستی به گونه‌ای صورت گیرد که پیگیری مبارزه با نظام سلطه از حوزه اقتصاد مصون باشد. به بیان دیگر بایستی طراحی حوزه اقتصادی چنان باشد که دشمنان خارجی نتوانند با ابزار قراردادن مسایل اقتصادی، جلو حرکت رو به جلو کشور را بگیرند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که توجه شود که حوزه اقتصاد، بزرگترین برگ برنده و مزیت نظام سلطه است و لذا می‌تواند از این مسیر نظام اسلامی را به شدت تهدید کند. لذا تدبیر در این خصوص از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. بر این مبنا تئوری‌پردازی در خصوص اقتصاد مقاومتی و اجرای سریع آن ضرورتی است که بایستی سریعاً مدنظر قرار گیرد.

به لحاظ سناریوپردازی صورت گرفته در این مجموعه، دو سناریوی ابتدایی با مشکل مواجه بودند. سناریوی اول با رجحان مسایل مربوط به توسعه اقتصادی، به این نتیجه می‌رسید که به خاطر افزایش درآمد کشور و رفاه ملی، بایستی از پیگیری عملی آرمان‌های نظری مربوط به حمایت از مستضعفین عالم و مقابله با ظلم و استکبار دست کشیده شود. سناریوی دوم نیز توان نظام اسلامی را از درون نابود ساخته و با گسترش ناکارآمدی و فساد، مسیر پایداری و مقاومت در مبارزه ظلم را در بلندمدت با چالش جدی مواجه می‌ساخت. اما در سناریوی سوم تلاش می‌شود تا نظامات مختلف در کشور و خصوصاً حوزه اقتصاد به‌گونه‌ای سامان یابند که هم کارآمدی و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی را به دنبال داشته باشند و هم موضع ضداستکباری نظام اسلامی را تقویت نمایند.

تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی اگر چه در سناریوهای اول و دوم به عنوان چالش‌های مهم مطرح بوده و همواره به آسیب بیشتر به نظام اسلامی منجر می‌شوند، لیکن در سناریوی سوم تغییر نقش داده و به عنوان عامل مثبت و تقویت‌کننده تبلور می‌یابند. دلیل مهم این است که اجرایی‌سازی و پیاده‌سازی راهبردهای مبتنی بر الگوی اقتصاد مقاومتی نیازمند همراهی و همدلی سطوح مختلف حوزه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در کشور و همچنین پذیرش عمومی و همکاری توده‌های مردمی است و تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی خصوصاً در حوزه اقتصادی باعث می‌شود نیل به این وحدت و یکپارچگی در داخل کشور تقویت شده و اضطرار ناشی از اعمال این تحریم‌ها به سرعت بیشتر در تصمیم‌گیری و اجرایی‌سازی راهبردهای مبتنی بر اقتصاد مقاومتی منجر شود.

لذا در صورتی که تئوری‌پردازی و مدل‌سازی مناسبی مبتنی بر الگوی مقاومتی صورت گرفته باشد، فشارها و تحریم‌های خارجی به جای تهدید نظام اسلامی، به یک وضعیت مناسب برای پیشرفت کشور خصوصاً در حوزه اقتصادی تبدیل می‌شوند. زمانی می‌توان ادعا نمود که از فرصت تحریم‌ها علیه کشور

استفاده مناسبی صورت پذیرفته‌است که اولاً در حوزه نظری طراحی و تئوری‌پردازی مناسبی صورت گرفته باشد. ثانیاً به لحاظ اجرایی و پیاده‌سازی، ساختارهای موجود در کشور با نهادهای مبتنی بر الگوی مقاومتی در شرایط تحریم جایگزین شده باشند. بر این مبنا یکی از نتایج پیگیری سناریوی سوم مواجهه مثبت و فعال با فشارها و تحریم‌های خارجی است. در شکل شماره یک الگوی مفهومی سناریوهای مربوط ترسیم شده‌است.

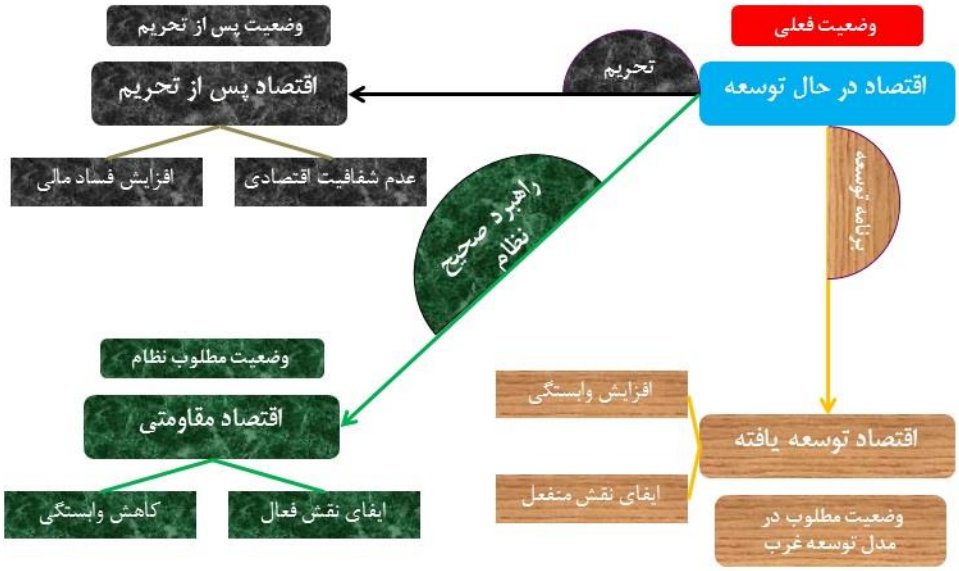

شکل شماره۱: سه سناریوی پیش روی کشور در فضای اقتصادی

از سوی دیگر، اعمال تحریم‌های خارجی، خلاها و نقاط ضعف الگوهای مقاومتی طراحی شده را بازشناسی نموده و تصحیح و تکمیل آن را تسریع می‌نماید. این روش رفت و برگشتی میان حوزه‌های نظری و تئوری‌پردازی از یک سو و نیز مسایل عینی و عملی در فضای واقعی و اجرایی از سوی دیگر می‌تواند به تکمیل و توسعه مدل اقتصاد مقاومتی منجر شود. در ادامه تلاش می‌شود شمایی کلی از الگوی اقتصاد مقاومتی تشریح گردد.

روش تحقیق:

روش تحقیقی اتخاذ شده برای صورت‌بندی مدل اقتصاد مقاومتی، اقدام پژوهی بوده‌است. در واقع، در طراحی اصول اقتصاد مقاومتی تلاش شده‌است تا مبتنی بر شاخص‌های نظری پیش گفته شده و فرایندی رفت و برگشتی میان حوزه نظری و عملی قواعد مناسبی استخراج شود. استخراج این قواعد در ابتدا به

صورت جملاتی با شاکله اصول کلی نبوده‌است. بلکه به شکل مسیرهایی برای مواجهه فعال با تحریم‌ها طرح شده‌است. به بیان دیگر، به لحاظ مسیر تحقیقی طی شده، تلاش ابتدایی بر این مسئله تمرکز داشته است که چرا مسیرهای مواجهه کشور با تحریم‌های اقتصادی عموماً انفعالی است؟ و آیا می‌توان مسیرهای فعالی در مواجهه با تحریم‌ها چنان طراحی کرد که انتخاب آنها فارغ از شرایط تحریم هم برای کشور سودمند باشد؟ لذا در گام اول طرح‌هایی در حوزه‌های پولی و مالی و حتی اطلاعاتی و صنعتی پیشنهاد شد که ضمن حل مساله کشور در قبال تحریم‌ها، قدرتمندی و ارتقای موقعیت اقتصادی کشور را دنبال داشته باشد. طرح‌هایی که کشور حتی اگر با تحریم‌ها نیز مواجه نمی‌شد، می‌توانست و می‌بایست آنها را اجرا می‌نمود. در گام دوم تلاش شد از حوزهٔ عملی اصول کلی استخراج شود که بتوانند به عنوان چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی طرح شوند. این اصول اولیه در گام بعد در یک مسیر پژوهشی معکوس قرار گرفتند. به این معنی که از اصول جدید تلاش شد تا دلالت‌های سیاسی چندی خارج شود. به این ترتیب با چند دوره طی فرایند تحقیقی و حرکت‌های از بالا به پایین و استخراج دلالت در کنار حرکت‌های از پایین به بالا و ... و تعدیل اصول و قواعد استخراج شده، مدل اقتصاد مقاومتی ارائه شده و در این نوشتار صورت‌بندی گردید. تلاش برای پیاده‌سازی دلالت‌های استخراج شده و بررسی تبعات و آثار ناشی از اجرای آنها به محقق نشان می‌داد که چگونه اصول محوری را به گونه‌ای تغییر دهد تا دلالت‌های عملی مدل بهبود یابد. در یک دورهٔ تحقیقی ۲ تا ۳ ساله این مدل اقدام پژوهی انجام شده و مدون گردیده است.

اصول اقتصاد مقاومتی

چهارچوب تحلیلی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اصول و قواعد شش گانه‌ای است که در ادامه معرفی شده‌اند:

مهار سوداگری و فساد

گام اول در مسیر تحقق اقتصاد پایدار که توان مقابله با تهدیدهای مختلف را دارا باشد، مهار سوداگری و فساد است. منظور از سوداگری فعالیت‌های غیرمولدی است که از تلاطمات و نوسانهای بازار سوءاستفاده نموده و بهره‌مندی‌هایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند. عدم تقارن‌های اطلاعاتی رانت‌های مختلف اعتباری، انحصاری و ... منشأ بروز اینگونه رفتارها هستند. در اقتصاد مبتنی بر دلالی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و ساز کار اقتصاد به سمت بروز حباب‌های قیمتی و نوسان‌های شدید سوق می‌یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می‌شود.

فساد نیز مفهوم روشن‌تری است. طیفی از اعمال خلاف قانون و حتی محرمانه در حوزهٔ اقتصادی از ارتشا و اختلاس گرفته تا قاچاق قابل فرض است.

درخصوص مقابله با سوداگری، بستن مسیرهای موازی تولید همچون ساماندهی حوزهٔ پول و سرمایه، ساماندهی حوزهٔ زمین و مسکن و نیز مدیریت رانت‌های اطلاعاتی بایستی محور توجه قرار گیرد. در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز اولویت اصلی بایستی طراحی ساز و کارها و روالهای فساد گریز باشد.

برخی از سیاست‌های اجرایی مناسب ذیل این اصل عبارتند از: سیاست‌های کنترل زمین و مسکن، مبارزه با قاچاق و واردات غیر قانونی، ساماندهی فضای اطلاعاتی به منظور دسترسی یکسان آحاد جامعه به اطلاعات اقتصادی و...

عاملیت توده‌های مردم

اقتصاد زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق‌العاده می‌گردد که محوریت آن توده‌های مردمی باشند. درگام اول می‌بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای حضور مؤثر همهٔ افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود. هیچ کس نباید به سبب محرومیت از دسترسی به امکانات تولید، آموزش، مجوزها و.... محروم از فعالیت شود. در گام دوم نیز بایستی ایجاد نظم‌های جمعی میان فعالیت اقتصادی هم در حوزهٔ کار و هم در حوزهٔ سرمایه مدنظر قرار گیرد. وحدت و همکاری میان فعالین می‌تواند به اشکال گوناگون شبکه‌سازی، خوشه‌سازی، زنجیرهٔ تأمین و ... در دستور کار قرار گیرد.

اگر نفرات محدودی سکان فعالیت اقتصادی کشور را بدست گیرند، امکان هر گونه سوءاستفاده و تأثیرگذاری بر روندهای جاری کشور وجود دارد. از سوی دیگر اگر دولت متصدی همه امور شده و عموم فعالیت‌های اقتصادی به وسیلهٔ دولت انجام شود، ناکارآمد و فساد ناگزیر خواهد بود. لیکن با محوریت نظم‌های جمعی میان فعالیت‌ها، آرمان مردمی‌سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصاد در برابر تحریم‌ها و فشارها ارتقا می‌یابد.

خوداتکایی

ساز و کارهای حوزهٔ اقتصادی بایستی به گونه‌ای مورد بازبینی قرار گیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد را شناسایی نموده و در خصوص آن تصمیم‌گیری نمایند. در موارد کم اهمیت‌تر می‌توان این حوزه‌ها را متنوع و تکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن است جایگزین‌سازی کامل مدنظر قرار گیرد. کلیهٔ مسیرهای تعاملی با خارج از کشور، منابع درآمدی کشور، شرکای تجاری و ... مشمول این قاعده هستند. برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و...، متکثر نمودن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر(مانند تبدیل شراکت تجاری امارات به چندین کشور دیگر) و...

اولویت‌گذاری

در طراحی اولویت‌ها در حوزهٔ اقتصادی بایستی تقویت ترجیحات و اولویت‌های ایدئولوژیک علاوه بر بهره‌مندی‌های اقتصادی مدنظر قرار گیرد. در این خصوص می‌توان دو دسته موضوع را از هم مجزا نمود. دستهٔ اول انتخاب شرکای تجاری هستند و دستهٔ دوم زمینه‌های فعالیت اولویت دار در کشور هستند که قرار است مورد حمایت ویژه قرار گرفته و تا آخرین مرزهای موجود درآن زمینه‌ها کشور پیشرفت نماید.

در خصوص اولویت‌های مربوط به شرکای تجاری می‌بایست کشورهای منطقه و نیز کشورهایی با همسویی ایدئولوژیک بر دیگران ترجیح داده شوند. از سویی کشورهای با همبستگی اقتصادی بیشتر، تمایل کمتری به ورود در توافقات ظرفیتی بر علیه یکدیگر دارند و از سوی دیگر کشورهای منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت‌های مشترک، امنیت شان به هم گره خورده است. در واقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی، با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگتر، پایداری بیشتری خواهند داشت. شایان توجه است که منطقهٔ جغرافیایی خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز به گونه‌ای است که بسیاری از کشورهای مسلمان و نیز کشورهای هم سو با جمهوری اسلامی را در خود جای داده است و به لحاظ اهمیت سیاسی و اقتصادی مزیت‌های فوق‌العاده‌ای دارد.

درخصوص دستهٔ دوم یعنی صنایع و رشته فعالیت‌های اولویت‌دار، ترجیحات بایستی به گونه‌ای تنظیم شوند که مسایل مربوط به بقای کشور که اهمیت حیاتی دارند، در اولویت قرار گیرند. غذا و دارو و در زمینهٔ مهمی هستند که در این میان حائز اهمیت‌اند. اگر کشور در چنین زمینه‌هایی چنان پیشرفت کند که به صادر کنندهٔ عمده مبدل شده و به پیشرفت‌های فنی و صنعتی بسیاری در این زمینه‌ها نایل شود، بقای کشور تضمین شده و امکان تحریم و فشار به کشور کاهش می‌یابد. حوزهٔ انرژی و صنایع نظامی نیز در زمینهٔ دیگری هستند که بایستی مورد توجه ویژه قرار گیرند. زمینهٔ پنجمی که به لحاظ اولویت‌های فعالیت در کنار غذا، دارو، انرژی و تسلیحات پیشنهاد می‌شود صنایع فرهنگی است. در این حوزه نیز به سبب رویکرد فرهنگی و گفتمان‌ساز انقلاب اسلامی می‌توان با تحرک و پویایی مناسب مبانی فرهنگی و تربیتی والای اسلامی را به جهان صادر نمود و مبانی فکری نظام سلطه را مورد چالش جدی قرار داد.

فرهنگ مقاومت

در کنار نظامات اقتصادی و طراحی آنها مبتنی برشرایط جهاد و مبارزه، نظامات اجتماعی و فرهنگی نیز بایستی کار ویژه‌ای مخصوص به خود را به انجام برسانند. علاوه بر ترویج و تبلیغ مفاهیم عام حوزهٔ فرهنگ مقاومت همچون جهاد و مبارزه، در حوزهٔ اقتصادی نیز بایستی مفاهیم فرهنگی مناسبی بسط و توسعه یابد. ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه و .... نیز بایستی تولید و مصرف محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله مطرح شود که

جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی بایستی مدنظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را خواهد داشت.

نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی مدل‌های مختلف اقتصادی پیش روی کشور پرداخته شد. آن‌چه حاصل شد مدلی است که نام آن را اقتصاد مقاومتی گذاردیم. اقتصادی که در شرایط مبارزه جمهوری اسلامی ایران بتواند چرخ اقتصادی کشور را به نحو مطلوب حرکت دهد. این مدل که امیدواریم قدمی در راه رسیدن به آن مدل ایده‌آل اقتصاد اسلامی باشد، می‌تواند با کمترین ضربات وارده در جنگ اقتصادی با دشمنان بیشترین ضربات را به آنان وارد نماید. لذا شاخصه‌هایی برای آن متصوریم که در قالب اصول طراحی شده عرضه شدند. این مدل اقتصادی که تلفیقی هوشمندانه و ابداعی از اقتصاد غرب و با توجهات به اصول اسلامی و ایرانیِ انقلابی است، می‌تواند مدل بهینه‌ای برای گذر از شرایط جنگ اقتصادی و تحریم‌ها و تبدیل این تهدیدها به فرصت-هایی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد.